

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی - 31 اردیبهشت/ 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران گرامی؛ خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند متعال، به لطف و فضل خود و به برکت ارواح طیبه شهدای عالی قدر عاشورای حسینی و به عزت و کرامتی که اسرای اهل بیت پیامبر در ملأ علی دارند، خبر خوشی از همه اسیران و مفقودان ما و جوانان عزیزی که از آنها خبری در دست ما و خانواده هاشان نیست، به خانواده های آنها و ملتشان برساند.

در جریان یک زندگی شرافتمندانه، البته مصائب زیاد است. خود صحنه عاشورای حسینی، صحنه انواع مصائب است. واقعاً عجیب است که خدای متعال، این عرصه عاشورای حسینی را چطور مجموعه ای از مصیبت‌های بزرگ قرار داد که انسان‌های بزرگی و در رأس آنها حضرت ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام، با کرامت و بزرگواری و صبر و شکر، توانستند این مصائب بزرگ را تحمل کنند. هر دو طرف قضیه، در عرصه تاریخ بشری نظیر است. هم آن طور مصیبت‌ها با آن شدت و با آن تنوع که همه با هم در یک صبح تا عصر اتفاق افتاد، در دنیا نظیر ندارد؛ هم صبری که در مقابل این مصیبت‌ها شد، در تاریخ نظیر ندارد.

آن شهادت‌ها، آن مظلومیت‌ها، آن احساس غربت، آن تشنگی، آن فشار تألماتی که بر یک نفر به خاطر خانواده اش وارد می شود، آن نگرانی از آینده، بعد هم فقدان عزیزترین عزیزان عالم وجود - یعنی حسین بن علی علیه السلام - و خانواده و فرزندان و اصحابش و بعد هم اسارت؛ آن هم نه اسارت در دست یک عده مردم باشرف؛ چون اسارت در دست انسانی که باشرف باشد، قابل تحمل است؛ اما آن انسانها، انسان‌های باشرفی نبودند، انسان نبودند؛ ددمنش بودند. خاندان امام حسین چنین اسارتی را بعد از آن همه مصیبت از صبح تا عصر عاشورا تحمل کردند. تحمل کننده کیست؟ امام سجاد - مقام امامت - است، زینب - تالی تلوه مقام امامت - است، بعد زنان و کودکانی اند که به حسب ظاهر، مقامات عالی معنوی مثل ولایت و امامت هم ندارند؛ اما تحمل کردند. این است آن راز بزرگی که حادثه عاشورا را ماندگار کرد.

هر مجموعه ای از انسانها که در راه یک هدف بزرگ و مقدس و عالی - نه هدف بیهوده - مصیبت‌هایی را بزرگوارانه تحمل کند، بخشی از آن ارزشها را به خود اختصاص خواهد داد. برای این است که ما برای خانواده های شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان و خود جانبازان و خود اسرای در دست دشمن، ارزش قائلیم. بی خود نیست که یک ملت و یک تاریخ، برای یک عده انسان ارزش قائل می شود. اگر بی صبری بود، این ارزشها آفریده نمی شد. البته لحظه های اسارت، حقیقتاً لحظه های سختی است؛ آن هم اسارت در دست این دشمنانی که وقتی آزادگان عزیز ما برگشتند، گفتند که آنها با اسرای خودشان چگونه رفتار می کردند؛ نه مثل آنچه که ما با اسرای بیگانه رفتار کرده ایم. آنها طور دیگری رفتار کردند. حقاً و انصافاً انسانی عمل نکردند.

لحظه لحظه عمر و شب و روز اسیرانی که هنوز در دست دشمن هستند - که ما البته به طور دقیق آمار آنها را نداریم؛ اما فی الجمله می دانیم که مجموعه ای از این قبیل هستند - در پیش خدای متعال دارای ارزش است و درست مثل شهدا که ما در باب آنها عرض کرده ایم که از لحاظ ثواب، در درجه اول شهدا و پشت سر آنها هم خانواده هایشان هستند، من به شما عرض می کنم که در مورد اسرا نیز همین طور است؛ یعنی در ردیف اول ثواب و اجر، اسرا هستند که آن رنج را تحمل می کنند، پشت سر آنها هم شما خانواده های اسرا هستید که خیلی هم اجر دارید. من می دانم خانواده ای که عزیزی را مفقود دارد و از سرنوشت او بی خبر است، چه می کشد. برای مادران و پدران و همسران و فرزندان و خانواده ها، مراحل خیلی سختی است، ساعات و شب و روز دشواری است؛ اما اجر آن هم به همین اندازه بزرگ است. البته من برای اسرای دشمن هم که پیش ما هستند، احساس ترحم می کنم. حتی برای آنها هم دعا می کنم که خداوند وسیله آزادی شان را فراهم کند. ولی آنها در واقع اسیر ما نیستند؛ اسیر دولت بعثی

اند؛ چون اگر دولت بعثی نسبت به اسرا و مفقودان ما جواب درستی می داد، ما داعیه بی نداشتیم که اینها را در این جا نگهداریم. ما هم اینها را رها می کردیم، تا سراغ خانه و زندگی شان بروند.

آنها نسبت به اسرا و مفقودان ما جواب نمی دهند. ما به آنها مکرر - شاید بیش از صدبار - مراجعه کرده ایم؛ اما جواب درستی داده نمی شود. متأسفانه مجامع بین المللی مثل صلیب سرخ و دیگران هم به نظر من مسؤولیت حقیقی شان را در این قضیه ایفا نمی کنند. ما گفتیم اگر شما می گوئید این عزیزان ما از دنیا رفته اند، محل دفنشان را به ما نشان بدهید، تا ما این را اقلأ بفهمیم؛ اما این کار را هم نکردند. در چنین شرایطی، ما چطور می توانیم اسیر عراقی را که پیش ماست، رها کنیم برود؟ جواب مردم را چه بدهیم؟ اگر در مقابل کسانی که از ما در دست دشمن اسیر هستند، اینها را در این جا نداشته باشیم، بعد با چه امیدی خواهیم توانست عزیزان خودمان را از آنها پس بگیریم؟ اگر فرض کنیم که بعضی از آنها از دنیا رفته باشند، اجساد مطهر و آثار و بقایای آنها را چگونه می توانیم به کشور برگردانیم؟ ما ناچاریم که اینها را در این جا داشته باشیم، والا از لحاظ انسانی، ما هیچ علاقه ای نداریم که آنها را در این جا نگهداریم.

اگرچه آنها دشمن ما هستند و در میدان جنگ، تا آخرین گلوله خودشان را شلیک کرده اند و بعد هم اسیر شده اند؛ ولی رفتارمان با آنها، رفتار انسانی است. اسلام این طور به ما دستور داده است. رفتار ما با آنها، رفتار خشن نیست؛ رفتار ملایم است. علاقه ای هم نداریم که آنها اسیر بمانند؛ ما میایم آنها هم آزاد بشوند و بروند. از لحاظ ترتیب منطقی، آنها در واقع اسیر ما نیستند؛ اسیر دولت خودشان هستند. چندین سال پیش، جمعیتی از همین اسرا جمع شده بودند و من رفتم با آنها صحبت کردم. در آن جا هم به آنها گفتم که شما در واقع اسیر رؤسای خودتان هستید. آنها هستند که جواب ملت ایران را نمی دهند؛ نتیجه این می شود که شما در این جا بمانید.

علی ای حال، این امتحان، امتحان بزرگی برای شماست و بدانید عزیزان من! هر یک از این مصائب الهی که برای انسان پیش می آید، در کنار خود اجر بزرگ و عایدی هم دارد. قضیه یکطرفه نیست. انسان در مقابل دشواری و محنت، از خدای متعال عوض می گیرد و هیچ کس در دستگاه الهی مغبون نمی شود. آن کسی که فرزندش شهید شده است، با آن کسی که فرزندش در خانه کنار او با راحتی زندگی می کند، پیش خدا یکسان نیستند. آن کسی که در راه خدا، سلامت خود یا سلامت عزیزش را از دست داده است، پیش آن که این رنج را ندارد، یکسان نیستند. آن کسی که عزیزش از او دور است و خبری از او ندارد، با دیگران یکسان نیست. بر روی همه تلاشها و فعالیتهایی که یک انسان یا یک جامعه انجام می دهد، اجر الهی هست؛ «و هم فیها لایبخسون». در دستگاه خدا، هیچ کس دچار عبن و بخص نمی شود؛ این را بدانید. این، یک امتحان الهی است و امیدواریم که خدای متعال هم کمک بفرماید. این آقایان مسؤولان بخش اسرا هم انصافاً تلاش می کنند و زحمت می کشند. ما شاهد و ناظر هستیم که دولت و مسؤولان دولتی هم خیلی تلاش می کنند. ما می بینیم که اینها چه می کنند؛ ولی طرف مقابل ما این طور است. امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال بر اثر استقامت و صبر شما و مسؤولان، نتیجه را هر چه شیرینتر عاید کند. از همین جا من مسائل اساسی ای را که برای ملتمان مطرح است، عرض کنم: امروز مسأله انتخابات، حقیقتاً یک عرصه امتحان الهی است. ببینید امتحانهای الهی چگونه برای همه هست! مگر می شود انسان در دوران زندگی، با امتحان الهی مواجه نشود؟ عمده این است که انسان بتواند از امتحان الهی سریلند بیرون آید. من چند نکته را در باب انتخاباتی که به سلامتی در روز جمعه برگزار می شود، برای ملت ایران مطرح می کنم، تا به این نکات توجه کنند. نکته اول این است که آنچه امروز در سطح کشور در زمینه انتخابات جریان دارد، همان چیزی است که برای ملت ایران و برای سرنوشت این کشور، امری لازم و ضروری و مطلوب است. شور و شوق انتخابات، همه جا را فرا گرفته است و همه احساس می کنند که در این امر بزرگ، سهمیم و شریکند. ملت احساس می کند که آینده امور اجرایی کشور در دستان اوست؛ زیرا یک نفر را در رأس قوه مجریه می فرستد. آینده سازندگی کشور، اداره کشور، روابط کشور، فرهنگ کشور، اقتصاد کشور، مسائل اجتماعی، مسائل انسانی، همه و همه از همین جا آغاز می شود. یک دوره دیگر به دنبال دوره های گذشته - که بحمدالله با موفقیت همراه بوده است - در پیش است. مردم احساس می کنند که در این قضایا سهمینند. این، درست همان چیزی است که ما آن را از خدای متعال می خواستیم و دشمن

مایل نبود و در دل از آن ناراحت بود و می خواست این گونه نباشد. دشمن می خواست که انتخابات در ایران با استقبال عمومی مواجه نشود؛ اما امروز عکس آنچه که دشمن می خواهد، در صحنه مشهود است. همه منتظر روز جمعه اند. همه منتظرند که بتوانند به آن کسی که مورد علاقه شان است و به تشخیص آنها اصلح است، رأی بدهند. این، چیز خیلی خوب و برجسته ای است.

من از همه ملت ایران می خواهم که به امید خدا و با توکل به پروردگار، همین احساس مسؤولیت را تا هنگام رفتن به پای صندوقهای رأی و انداختن رأیشان در داخل صندوق حفظ کنند. ان شاءالله عدد بالایی از مردم در این امتحان الهی شرکت کنند و دین خودشان را به کشور و انقلاب ادا کنند و سهم خویش را در آینده کشور ایفا نمایند. این، آن چیزی است که دشمن را به شدت زخم خورده خواهد کرد. در واقع، رفتن مردم با تعداد زیاد آرا پای صندوقهای رأی و جمع شدن آراء زیاد برای مجموعه نامزدها، دشمن را مأیوس خواهد کرد. جمع شدن آراء زیاد در اصل انتخابات، مهم است. این، در واقع رأی به استقلال کشور و رأی به تبعیت از نظام و همراهی با رهبری است. مردم با این کار، دشمن را مأیوس کنند و در واقع به دهان او مشت بکوبند.

نکته دوم این است که سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم مردمی را - که حقیقتاً یک آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است - با همان نزاهت و طهارت و پاکیزگی ای که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین طورند. سعی کنید کدورت ایجاد نشود. مسابقه انتخاباتی، ضمن این که یکی از جدیدترین کارهای یک ملت است و به هیچ وجه جنبه شوخی و بازی در آن نیست و بسیار جدی است؛ اما شبیه مسابقات ورزشی است. در مسابقات ورزشی همه تلاش می کنند؛ اما کسانی که اهل اخلاق و اهل فهمند، این تلاش را با کارهای زشت و نامناسب همراه نمی کنند.

البته من مردم خودمان را عرض می کنم، والا بعضی از ملت‌های دیگر - مثل انگلیسیها - هستند که مسابقات فوتبال را هم به کشت و کشتار تبدیل می کنند! ما به آنها کاری نداریم. ملت ما اهل اخلاق و معنویت و عاطفه است. نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هر کدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کنند؛ اما دوستان و هم میهنان و برادرانشان را که احياناً از نامزد دیگری حمایت می کنند، زخم خورده و رنج دیده و از خودشان مکدر نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهم است.

البته در گوشه و کنار حرفهایی شنیده می شود که قدری مایه خلاف توقع است. این را هم همه توجه کنند که بعضی از کارها مربوط به خودیها نیست؛ مربوط به دشمن است. راه انداختن کاروان شادی در عصر عاشورا، مربوط به مردم انقلابی و مسلمان نیست. این کار دشمن است. گیرم که عکس یک نامزد انتخاباتی را هم به دست بگیرند؛ این حيله آنهاست. نباید هیچ کس از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را متهم کرد که شما از آنها خبر داشتید و آنها طرفدار شمايند. نخیر؛ آنها چه طرفداری از کسانی دارند که اهل دین و معنویت و این چیزها هستند. ربطی ندارد. شاید خود آن فریب خورده هایی هم که در خیابانها سوار بر اتوبوس شدند و آن مناظر زشت را راه انداختند، ندانند که قضیه چیست. دستی آنها را حرکت می دهد، برای این که فضا را خراب کند؛ برای این که مردم را ناراحت کند؛ برای این که انتخابات را در نظر متدینان یک کار نامناسب جلوه دهد و چهره ها را خراب کند. البته مسؤولان باید بگردند و آن دست پنهان را پیدا کنند. من مؤکداً به مسؤولان توصیه می کنم و از آنها می خواهم که بگردند و آن دستهای پنهانی که این زشتکاریها را انجام می دهند، پیدا کنند. از آنها نباید گذشت. صحبت سر اینها نیست؛ صحبت سر غفلتهایی است که ممکن است خدای نکرده گاهی از خودیها سر بزند. بعضیها را متهم کنند و بعضیها را مورد اهانت قرار دهند. این کار درست نیست. البته تبلیغات منطقی و معقول و با استدلال، اشکالی ندارد؛ لیکن نباید فضا را خراب و مکدر کرد.

نکته سوم این است که دشمن به همان اندازه ای که از اجتماع آرا در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم درصدد است که اگر این تجربه به وسیله ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش نشسته اند و برای این قضیه برنامه ریزی می کنند. شایعه تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و متل درست کردند و در دهان مردم انداختند؛ بعضی هم البته ناآگاهانه آنها را تکرار می کنند.

من باید عرض کنم، شایعه این که در انتخابات تقلب خواهد شد، از طرف دشمن است. رادیوهای بیگانه، حرفهای دلسوزانه رئیس جمهور محترم را حمل بر چیزهای نامناسب و ناشایسته کردند. حتی بعضی از تحلیلگران و خودیها هم از روی غفلت برداشتند آن مسأله را حمل بر این کردند که آیا چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد! این حرفها چیست؟

مگر ممکن است در انتخابات جمهوری اسلامی، کسی به خود حق بدهد یا جرأت بدهد که در آراء مردم دستکاری کند؟ اولاً شورای محترم نگهبان، یک مجموعه عادل و مواظب و ناظر بر انتخاباتند و هیچ راهی را برای تقلب باقی نمی گذارند. ثانیاً وزیر محترم کشور پیش من آمد و گفت شما مطمئن باشید که ما نمی گذاریم یک رأی جا به جا شود. اینها مسلمان و انقلابی و متدین و مورد اعتمادند و از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفته اند. بر فرض در گوشه ای یک تخلف کوچک هم انجام گیرد. این در نتیجه انتخابات هیچ تأثیری نخواهد داشت. خود من هم مواظبم و اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق بدهد، تقلب در انتخابات را که یک عمل هم خلاف شرع و هم خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی است، انجام دهد. چنین کاری هرگز نخواهد شد. بعضی خیال کرده اند که حالا چه اتفاق می افتد. من بخصوص از رئیس جمهور محترم استفسار کردم و گفتم شاید ایشان خبری دارند؛ اما ایشان گفتند که نه؛ من در همه انتخاباتها، به مسؤولان و دست اندرکاران سفارش می کنم که تخلف نکنند. مسأله خاصی وجود ندارد. عده ای جنجال کردند و رادیوهای بیگانه هم های وهوی راه انداختند. نخیر؛ انتخابات ان شاءالله با اتقان کامل انجام خواهد گرفت. هم مسؤولانی که هستند، مورد اطمینانند، هم خود من نخواهم گذاشت که مسأله انتخابات، خدای نکرده اندکی مخدوش شود.

نکته چهارم این است که همه ملت ایران و خود نامزدهای محترم توجه کنند که هر کدام از این چهار نفری که به خواست خدا و به سلامتی اکثریت آرا را - چه در مرحله اول و چه در مرحله دوم - به خود اختصاص داد، او رئیس جمهور قانونی است. البته ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلح بگردد. من مکرر عرض کرده ام که مسأله، مسأله دین و خدا و ادای تکلیف است. همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است. قبلاً هم گفتیم که تفاضل ولو کم باشد، در این قضیه بسیار است. باید بگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رأی دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رأی بدهید. مردم باید این کار را بکنند و ما هم از خدا می خواهیم و دعا و آرزو می کنیم که خدای متعال دلهای مردم را به سمت نامزد اصلح - آن که واقعاً صلاحیتش بیشتر است - هدایت کند. البته شورای محترم نگهبان، این چهار نفر آقایان را صالح دانسته است. لابد اینها در یک حد نیستند؛ بعضی صالحند، بعضی صالحترند. بگردید آن صالحتر را شناسایی و پیدا کنید و به او رأی بدهید.

هر کس که برود رأی بدهد، چه رأی او صائب باشد و به اصلح رأی داده باشد و چه اشتباه کرده باشد و به غیر اصلح رأی بدهد، همین اندازه که از روی احساس تکلیف نسبت به آینده پای صندوق برود و رأی بدهد، این رأی پیش خدای متعال مأجور و موجب ثواب است و این شخص، علاقه مند به نظام و رهبری است. آنچه که مهم است، این احساس تکلیف است. همه آحاد ملت، این احساس تکلیف را باید بکنند.

بحمدالله - همان طور که گفتیم - احساس می شود که مردم کاملاً با شور و شوق وارد شده اند. همین شور و شوق، بلکه بیشتر از این را تا روز رأی و لحظه رأی دادن حفظ کنید. بروید تلاش و تفحص خودتان را بکنید، اصلح را بیابید و آن کسی را که فکر کردید اصلح است و بین خودتان و خدا حجت تمام شد، به او رأی بدهید و خاطر جمع باشید که تکلیفتان را انجام داده اید. این، آن چیزی است که همه باید به آن توجه کنند. هر کس هم که نتیجه آرا متعلق به او شد، خدای متعال ان شاءالله کمک خواهد کرد، ما هم کمک خواهیم کرد، تا بتواند وظایف خود را انجام دهد. پایه های نظام اسلامی، پایه های مشخص و روشنی است. به نظر من، در همین تبلیغات ریاست جمهوری، یکی از موفقیت‌های این دوره از انتخابات آن است که این نامزدهای محترم چهارگانه ای که هستند، صریحاً مبانی ارزشی انقلاب را بر زبان آورده اند. این، خیلی خوب است. تکرار و تأکید شد و معلوم شد که ملت چه می خواهد و آن چیزی

که مورد علاقه ملت است، چیست. البته هر کدام از این آقایان که مسئولیت قبول کنند، باید جوابگویی این حرفهایی که گفته اند، باشند؛ ما رها نمی‌کنیم. آنچه را که به مردم وعده داده اند، باید انجام دهند. مردم هم خواهند خواست، ما هم از طرف مردم از آنها خواهیم خواست. ان شاءالله خدای متعال توفیق خواهد داد و خواهند توانست آن دین خود را ادا کنند.

آنچه که در پیش است، یک تجربه و یک امتحان بزرگ و یک صحنه و عرصه شیرین است. مواظب باشید که دشمن این عرصه را در کامها تلخ نکند. مواظب باشید که ایادی دشمن نتوانند خدای نکرده اخلاقی بکنند، تا به فضل پروردگار، این پدیده خوب در نظام جمهوری اسلامی - یعنی پدیده دخالت و مشارکت مردم - در این دفعه هم مثل دفعات دیگر به نتایج مطلوبی برسد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، آنچه که صلاح این ملت در آن است، خودت این ملت را به آن راهنمایی فرما. قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود فرما.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته